

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«ادع الی سبیل ربک بالحکمة والموعظة  
الحسنة وجاهلهم بالتي هی احسن . . .  
(قرآن کریم - سوره نحل)

### نصف یا همه؟!

یکی از مسائل با اهمیت روز، که جلب توجه مقامات و محافل دینی و اجتماعی را نموده و در پیرامون آن سخنواراننده و مقالاتی سروده اند، رأی ها داده و اظهار نظرها کرده اند، موضوع «زنان» و شخصیت و موقعیت اجتماعی آنان است که نصف یا بیشتر جمعیت کشورها را تشکیل داده و یکی از دو رکن اساسی اجتماع میباشند.

علاوه بر اینکه در کتابها و نشریات مربوطه به مسائل عمومی زندگی، «زنان» از جهاتی سهمیه بوده و شرکت دارند، و اضافه بر این که ستونهای از روزنامهها و مجلات را مطالب اختصاصی بآنها مشغول ساخته است، رساله ها و مجلهها و نشریههایی هم مستقلانام «زنان» و درباره حدود آزادی و حقوق اجتماعی و وظائف اخلاقی و زندگی بانوان منتشر شده و در آنها بحثهای متضادی بعمل میآید.

ما فملا درصدد نیستیم که در این جهات قضاوتی نموده، و یا نظر اسلام را بطور کلی درباره «زنان» در این مقاله بیان کنیم. امید است در مقالات دیگر و فرصتهای مناسبتری این وظیفه را انجام دهیم.

اینک نظر ما بیک مطلب است که بر سر زبانها و قلمها جاری، و از زنان تعبیر بنصف جمعیت میشود. مثلاً میگویند: با آزادی زنان و شرکت آنان در امور

**اجتماعی ، نصف افراد جامعه از فلج و بیکاری رهایی می یابند !**  
 یامینویسند : نصف جمعیت از قید اسارت و بردگی آزاد میشوند ! و مانند اینها  
 از عبارات دیگر .

مامیکوئیم : اگر چه زنان از جهت نفرت و کارگری ، وعهده داری مشاغل  
 اجتماعی ، نصف جمعیت بشمار می آیند اما از جهت تربیت و اخلاق ، صلاح  
 و فساد بمنزله همه جمعیت میباشند و در اجتماع ، نقشهای مهمی را بر عهده  
 دارند ، که در خوشبختی و بدبختی ؛ پاکی و ناپاکی ، کمال و پستی جامعه بسیار  
 مؤثر و با اهمیت میباشد .

زنان ، در مراحل متدرج زندگی ، و انتساب ایشان با افراد ، عنوانهایی را  
 بخود میگیرند و نقشهایی را عهده دار میشوند که هر یک از آنها در آبادی و ویرانی ،  
 سربلندی و پستی ، شرافت و بیشرافتی اجتماع تأثیر بسزائی دارد ، واهم آنها این  
 سه است : دختر ؛ همسر ؛ مادر .

\* \* \*

### نقش دختر !

روی غریزه جنسی ، و اقتضای طبیعی ؛ مقدماتی فراهم آمده وزن و مردی  
 جوان ، بایکدیبا عشق و شور ، یکدیگر را ملاقات نموده ، و دقایقی از هم  
 کامیاب میشوند ، چه دقایقی که از همه جا غافل و غرق در در پایی لذت و گوئی از  
 این جهان بیرون رفته اند .

گذشتهها و ناراحتیها و غمها را فراموش نموده ؛ و بآینده پر حوادث  
 نظری ندارند ؛ ولی این خوشی و لذت نیز مانند دیگر لذات جهان دوامی نداشته  
 و طولی نمیکشد که طبعاً در خود احساس خستگی نموده و از این خواب خوش و  
 رؤیای شیرین بیرون می آیند .

از کنار هم بر کنار میشوند ؛ و بتدریج آن خاطرات فراموش شده زندگی  
 بآنها روی آورده و آنها را ناراحت میکند .

### دوران حمل !

چند روزی میگذرد ؛ آن زن احساس ناراحتی دیگری نموده ؛ و خود

را باردار و سنگین می‌بیند؛ و خواه و ناخواه راز خود را بایار مهربان و همسر عزیز در میان میگذارد.

حالتی آمیخته از خوشحالی و نگرانی، و امیدواری توأم با هراسی برای آنان پدید می‌آید.

وہ! چقدر خوب و دلنشین، لذیذ و شیرین است **فرزند**؛ که نتیجه عمر و میوه زندگی است. اما چقدر تلخ و ناگوار است؛ اگر ناقص و ناسالم بدنیا بیاید، اگر زیبا و خوش اندام نباشد؛ **اگر فاسد و بی تربیت بار آمده و با اصطلاح؛ نااهل** از کار در آید.

آری، دوران حمل پیش می‌آید و آن مرد وزن (پدر و مادر آینده) برای اینکه آن نوزاد مطلوب و دلخواه آنان باشد گاهی توسل بدکتر و دارو جسته، و رژیم غذایی و بهداشتی گرفته، و احیاناً بطالع بین و دعانویس مراجعه مینمایند و با توجه و بی توجه، بالفطره گاه و بیگاه **خدا گرفته** و با پروردگار جهان راز و نیازها کرده عهد و پیمانها می‌بندند که اولاد زن باردار از خطر وضع حمل سلامت جسته، و ثانیاً **نوزاد آنها سالم؛ کامل، زیبا و بلکه پسر** بدنیا بیاید.

این همان حقیقتی است که در قرآن کریم بآن اشاره شده: ... «فلما تنشها حملت حملاً خفياً فمرت به؛ فلما انقلت دعوا لله ربها لئن آتیتنا صالحاً لنكونن من الشاكرین» (۱) یعنی: پس چون (آن مرد) همسر خود را در بر گرفت؛ آن زن با رسیکی برداشته و بر کنار رفت، پس چون خود را سنگین یافت، آن دو (همسر یزبان و دل) پروردگار خود، خداوند را میخوانند که اگر فرزندی شایسته (و دلپسند خصوصاً اگر پسر باشد) بماعطا کنی هر آینه البتہ تو را شکر-گزار خواهیم بود

اینجا یکی از مواردی است که **بشر بالفطره حس خدا جوئی را در خود مشاهده** نموده و برای رسیدن بمطلوب خود از عالم غیب کمک میطلبد **خدا** **خدا میگوید**.

چند ماهی با این حالت گذشته و دست قدرت و قلم تقدیر ، روی حکمت و مصلحت ، و سنت تغییر ناپذیر خلقت ، کار خود را انجام داده ، و هنگام وضع حمل میرسد . بحران دیگری در آن خانواده پیش آمده ، از مرفی جان زن باردار را در خطر می بینند ، و از یکسو چشمها براه ودلها در پیش است که وضعیت نوزاد چگونه میباشد ؟

### رفع انتظار !

در این گیرودار ، صدای بانوی قابله بلند میشود : مبارک باشد، نوزاد دختر است ، تا اندازه ای طپش دلها آرام یافته ، چشمها از انتظار بیرون آمده ، خواه ناخواه اظهار خوشحالی نموده ، و لبخندی - اما چون نوزاد دختر بوده توأم با نارضایتی درونی - بر لبها ظاهر میشود ، (۱) و روی حکمت الهی ، پستان مادر پراز شیر ، و دل او و پدر کانون محبت و علاقه بنوزاد میگردد . در نتیجه این مقدمات یکنفر باین خانواده افزوده شد ، و ورق تازه ای در زندگی آنان باز شد . اما یکنفری که آینده مبهمی داشته و امکاناً تحولاتی نیک یا بد را برای این خانواده همراه دارد ، و در نیکبختی یا بدبختی ، خوشی یا ناخوشی ، نیکنامی یا بدنامی ، غنا و فقر ، و بلکه ایمان و کفر آنها نقش مهمی را میتواند بر عهده گیرد .

آری فرزند ، شاخه ای از یک خانواده و میوه ای از این درخت بشمار می آید ، ولی آنچنان شاخه و میوه ای که در خرمنی و سرسبزی و یا پژمردگی و خشکاندن آن درخت مؤثر میباشد .

### نکته ای قابل توجه ؟ !

اسلام درباره تربیت فرزند سفارشات اکیده ای نموده ، و بر نامه مفصل و حکیمانهای دارد ، ولی نکته ای در آن منظور شده که بسیار قابل توجه است . اسلام ، تربیت فرزندان را تنها بمنظور تهیه یکفر دسایسته و خوشبخت دستور

(۱) پس از قرنها تربیت اسلامی و تجلیل از مقام زن ، هنوز این نشانه از عصر جاهلیت باقی است که هر گاه نوزاد دختر باشد ، بیشتر پدر و مادرها اظهار نارضایتی و تأثر میکنند ! .

نداده، بلکه تأثیر آن فرد را در جامعه در نظر گرفته است .  
اسلام ، وجود یک فرزند را پسر باشد یا دختر ؛ در وضعیت اخلاقی و اجتماعی  
و ثبات و تزلزل خانواده خود مؤثر می بیند ، همانطور که تأثیر او را در  
اجتماع ؛ از نظر این که روزی پدر یا مادر شده و تشکیل خانواده جدیدی را  
میدهد منظور میدارد .

### کلمات پیشوایان دین

در رساله حقوق امام چهارم حضرت زین العابدین علیه السلام ، درباره  
حق فرزند فرماید :

«واما حق ولدك فان تعلم انه منك ومضاف اليك في عاجل  
الدنيا بخيره وشره ، وانك مسئول عما وليته به من حسن الادب ،  
والدلالة على ربه عزوجل ؛ و المعونة له على طاعته ، فاعمل  
في امره عمل من يعلم انه مثاب على الاحسان اليه معاقب على الاسائة  
اليه» (۱) .

امام علیه السلام : در این کلام خود ، خوشبختی یا بدبختی ، رستگاری  
یا گرفتاری فرزندان را تذکر نداده بلکه تأثیر او را در وضع پدر و مادر در نظر گرفته  
و بآنان میفرماید : ... باید بدانید که آن فرزند ، از شما و منسوب بشما  
میباشد و نیک و بد او بحساب شما گذاشته شده و در همین دنیا بشما بر میگردد .  
خدا و خلق : شما را مسئول تربیت نیکو و خداشناسی و حق پرستی او  
میدانند . درباره او چون کسی رفتار کنید که عقیده دارد بهره های نیکی و بدی در  
حق او (چه در دنیا و چه در آخرت) بخودش بر میگردد .

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرماید : از خوشبختی مرد مسلمان  
است : همسر شایسته ، مسکن وسیع ، مرکب راهوار ؛ فرزند صالح که آمرزش  
پدر را طلب میکند» (۲) و تأثیر مستقیم هر یک از این چهار چیز در خوشی و ناخوشی  
سر بلندی و پستی او ، محسوس و مشهود است .

(۱) مکارم الاخلاق ، ب ۱۲

(۲) سفینة البحار- ج ۲ . نقل از نوادر اروندی .

اسلام شایستگی و ناشایستگی فرزندان نه فقط در زندگی این جهان پدر و مادر مؤثر دانسته ؛ بلکه تأثیر آنرا در عالم پس از مرگ آنان نیز گوشزد نموده است و پیغمبر اکرم (ص) خبر داده که بحضرت مسیح (ع) وحی شد : . . جهت آنکه عذاب از صاحب آن قبر برداشته شد این بود که فرزندی شایسته از او دست رسیده که **راهی راهوار نموده و یتیمی را سرپرستی کرد** ، پس در نتیجه کردار پسندیده این فرزند ، پدر او آمرزیده شد . (۱)

### شاهد تاریخی !

شاهد بزرگ و زنده این مطلب در تاریخ ، شخصیت برجسته سیده زینب **جهان فاطمه زهراء** علیها سلام ، و موقعیت حساس آن دختر پاک گوهر در بقاء آثار و نام و نشان پدر بزرگوار خود میباشد ، تا آنجا که خداوند بزرگ در قرآن کریم ، بوجود او ، پیغمبر اکرم (ص) را تسلیت داده ، و رفع نگرانی آن حضرت را از بلا عقب بودن نموده ، و سوره کوثر را در شأن آن بانوی گرامی نازل فرموده است پدر بزرگوارش در اثر مشاهده صفات پسندیده و اخلاق شایسته اش او را **امادینها** (مادر پدر) خوانده و گوئی بقاء شخصیت و موقعیت ، و پیشرفت مرام و مقصد ، و حفظ دینت و شریعت خود را وابسته بوجو آن دختر ارجمند خدا پرست دانسته است .

### نتیجه ؟

در هر حال ، تأثیر وضع اخلاقی و شایستگی یا ناشایستگی فرزندان ، در نیکنامی یا بدنامی ، سرفرازی یا شرمساری ، توانگری یا پریشانی ، بلکه ایمان یا کفر پدر و مادر و خانواده خود قابل انکار نبوده ، و آن محبت و علاقه ای که از او در دل آنها وجود دارد سبب میشود که دل با او داده و بهر کجا و هر وضعیتی که آنها را میکشاند مجنون وار بروند ، زندان باشد یا گلستان ؛ بهشت باشد یا جهنم ، رشته ای بر گردنم افکنده دوست میکشدهر جا که خاطر خواه او است .  
شاید هر کسی ، کم و بیش دیده یا شنیده باشد که بدست رسیدن فرزندان چه تحولات و انقلاباتی را در زندگی خانواده ها پدید آورده ، و در وضع مالی و اخلاقی و اجتماعی آنان چه اثرهایی گذاشته است .

من خود ، خانواده‌هایی را سراغ دارم که چون فرزندان آنان خصوصاً دختران ایشان ، بسن بلوغ ورشد رسیده و باصطلاح ، وارد اجتماع شدند، چون تربیت صحیح ورشد کافی نداشتند آبروی خانوادگی و سوابق نیک اجتماعی ، همه افراد خانواده خود ، از پدر و مادر و برادر و خواهر را بر باد داده ، و بوسیله وسوسه‌های سحرآمیز و درخواستهای ناروا و پیشنهادات هوس‌زای خود ، در دل و جان و اخلاق آنان نفوذ کرده ، و نه تنها آنها را از هستی مالی ساقط نمودند ، بلکه خانه عفاف و تقوی و فضیلت و ایمان آنان را ویران ساختند .

و میتوان گفت که این جهت تخریبی دردخترها بیشتر از پسرها بوجود می‌آید ، زیرا رشد آنان کمتر ، و هوسها و خواهشهای آنان بیشتر ، و رسوائی انحراف و فساد اخلاق آنان زیادتر بوده ، و علاوه نفوذ آنان از مادران شروع میشود که قدرت مقاومت آنان کمتر از مردها و پدراها میباشد .

پس در نتیجه ، یکدختر ! ، آری یکدختر هوسباز ، شهوتران ، مدپرست بی بندوبار ، محصول تشکیلات فرهنگی و تربیتی و اجتماعی امروز ، بسا میشود شیرازه خانواده‌ای شریف و اصیل را از هم پاشیده و آنرا بکلی واژگون و زیرورو میکند .



### نقش همسر

سخن ما ، درباره دختر ، و تأثیر آن دروضع خانواده‌ها با اینکه چنانچه باید و شاید آنرا تشریح نکردیم و از جهات تخریبی آن پرده برنداشتیم ، قدری بطول انجامید ، و چون این مطلب در بانوان آنگاه که نقش همسر را برعهده میگیرند ، تا اندازه‌ای روشن تر است ، در این قسمت سخن را فشرده تر میکنیم .  
با اینکه شاید غالباً بخصوص در این عصر زناشوییها با خانواده‌های بیگانه‌تر و دور دست انجام میگردد ، مع الوصف ، غریزه جنسی و تمایل طبیعی از یکسو و علاقه و مودت خدا داده (۱) ازسوی دیگر ، سبب میشود که میان دو همسری که عقد زناشویی می‌بندند ، یک دلبستگی و دوستی خاصی پیدا شده و بخصوص در مردها

(۱) ... قرارداد برای شما همسرانی از خودتان و میان شما دوستی و مهر بانی بر

نسبت بزنان ، شیفتگی و دلدادگی بیشتری فراهم میآید .  
 آن چنان محبت و علاقه‌ای که هر گاه رشد روحی و قوت ایمانی و  
 کمال اخلاقی مرد اندکی ضعیف باشد ، و افسوسگری و دلبری و  
 هوی پرستی زن قدری بیشتر باشد ، نه تنها مال و آبرو و ایمان ، بلکه هستی و  
 جان آن مرد در خطر میافتد .

آن دختر خانم سینمایی ! اجتماعی ! هنرمند ! که تا اندازه‌ای نقش  
 دختری‌اورا تشریح نمودیم تا آنجا که توانسته یا پیش آمده است خانه اخلاق و  
 ایمان و زندگی پدر و مادر را تاراج کرده ، و اینک با مقدماتی که از بیان آن  
 صرف نظر میکنیم قدم بخانه شوهر گذاشته و نقش همسر را بعهده گرفته است .

### زندگی جدید !

در خانواده جدیدی وارد شده و صحنه دیگری را مشاهده میکند . اکنون  
 این بانوی اجتماعی ! با مطالعاتی که از صفحه جرائد و مجلات و داستانهای  
 عشقی نموده و مشاهداتی که در سالن سینماها و تماشاخانه‌ها و مجالس شب نشینی  
 با آنها روبرو بوده ، و آمیزش و نشست و برخاست و رفت و آمدهائی که با  
 جوانان و رفقای پسر و دختر خود داشته و با حس کنجکاوای فوق العاده‌ای قیافه و  
 اندام و رفتار و زندگی جوانان را ورنده کرده است ، آیا این زندگی جدید  
 و همسر عزیز ! و افراد خانواده او در نظرش چگونه جلوه میکند ؟ و آیا تاچه  
 اندازه برای او دلخواه و رضایت بخش میباشد ؟ و تاچه حدی بان خانه و آشیانه  
 دلبستگی پیدا میکند ؟ ، با خداست و اقبال آن شوهر .

آنچه از اخلاق و رفتار نوع زنان پرورش یافته مکتب مادی و شهوانی امروز  
 مشهود و مسلم است اینکه : اولاً میخواهند تا آنجائیکه توانائی باشد تمایلات  
 نفسانی و خواهشهای شهوانی خود را تأمین نموده و اشباع کنند . ثانیاً - تا اندازه‌ای  
 که پیشرفت کند افکار و ایده‌های خود را بان خانواده تحمیل نموده و بر آنان  
 تسلط و تفوقی بدست بیاورند . و بدیهی است بهترین راه برای وصول باین هدف !  
 همانا تسخیر فکر و احساسات شوهر ، و نفوذ در دل و جان همسر ؛ و عبارت دیگر ،  
 استعباد و استخدام کامل او میباشد . هر چند که علاقه و محبت او از پدر و مادر و همه



افراد خانواده و فامیل بریده شود ، هر چند که بقیمت ازدست دادن شرف و فضیلت و ایمان اوتمام شود .

### اسلام و انتخاب همسر

امادین مقدس اسلام ، برای اینکه این مفسد و بدبختیها ، این خسارتها و تیره روزیها از سرچشمه جلو گیری شده باشد ، در برنامه وسیع خود دستورات جامع و کاملی را درباره انتخاب همسر ؛ از نظر خانواده و اخلاق ، ایمان و تربیت و حتی جهات جسمانی و بدنی او گنجانده است که با مراعات آنها ، بسیاری از ناراحتیها و نابسامانیهای خانوادها خاتمه داده میشود .

اسلام اصالت خانوادگی را در همسر اهمیت داده و از پیمان زناشوئی با خانوادهای بدسرشت نهی نموده است .

پیغمبر اکرم (ص) جامعه بشر را مخاطب ساخته و فرماید : **اینها الناس**

**ایاکم و خضراء الدمن ! ... (۱)**

ای مردم ! بپرهیزید از سبزه ای که بر روی کودها و پهن هامیروید ! بعضی گفتند : سبزه روی کودها چیست ؟ فرمود : **زن زیمائی که در خانواده بدو ناپاک پرورش یافته باشد**

اسلام ، قبل از جمال و مال ، بسرمایه ایمان و دینداری همسر توجه داشته و امام صادق (ع) فرماید : هر گاه مردی همسری را فقط برای جمال و مالش انتخاب کند ، گرفتار همان مال و جمال او میشود ، (و آسایش در زندگی که منظور از تشکیل خانواده است برای او فراهم نمیگردد) ولی اگر او را برای دینش اختیار کند ، خداوند مال و جمال را نیز روزی او فرماید . (۲)

و نیز آن بزرگوار فرماید : سه چیز است که آسایش (بدنی و روحی و آبرومندی در دنیا و آخرت) مرد با ایمان را فراهم میآورد : خانه وسیعی که اسرار و پریشان حالی خود را در آن از مردم پپوشاند ، **وزن شایسته ای که او را در کار دنیا و آخرت یاری مینماید** ؛ و دختری که یا بازناشوئی (و فرستادن بخانه

(۱) کافی - ج ۵ - ص ۳۳۲

(۲) کافی - ج ۵ - ص ۳۳۳

شوهر) ویا (اگر لیاقت نداشته و تربیت صحیح بخود نگرفت) با مرگ (و فرستادن بحجله گور) او را از خانه بیرون فرستد . (۱)

اسلام ، یکی از ارکان مهمه سعادت دنیا و آخرت مرد را همسر شایسته و با ایمان دانسته و نشانه های شایستگی او را بیان نموده و پیغمبر اکرم (ص) فرماید :  
 مرد مسلمان بعد از نعمت اسلام (که مایه رستگاری دنیا و آخرت او میباشد) بهره ای بدست نمی آورد که برتر و بافضیلت تر باشد از همسر مسلمان وزن با ایمانی که : هر گاه باو نظر کند (دیدار منظره زیبا و رفتار نیکو و گفتار شیرین آن زن) او را خوشحال و شاد نماید ، و هر گاه باو فرمانی (مربوط بمصالح و مسائل زندگی) دهد او را اطاعت کند ، و هر گاه (بواسطه مسافرت یا دنبال تأمین امر معاش رفتن) از نظر او پنهان شود ، در غیبت شوهر خود جان و مال او را نگهداری کند (و نسبت باو خیانتی نوزد) (۲)

اینها کلیات و نمونه نهائی است از گفته ها و دستورات بسیاری که اسلام در انتخاب همسر و اوصاف و آداب و وظائف زن درباره شوهر و زندگی با او بیان نموده است ، وای آیا دردنیای حاضر و اجتماع کنونی حتی اجتماعاتی که خود را با اسلام نسبت داده و داد مسلمانی میزنند ، تا چه حدی این مقررات اجراء میشود ؟ و تا چه اندازه ای زیر پا گذاشته میشود ؟ درصد بیان آن نیستیم ؛ اجمالا میدانیم که در پیشگوییهای که اسلام از این عصر آزادی و تمدن ! نموده است ؛ از هممنانی و همگامی زنان با مردان در اجتماع خبر داده ؛ و یکی از علل و موجبات عمده فساد جامعه و تباهی دنیا و آخرت مردمان را ، بی ایمانی و هوی پرستی و شهوترانی زنان و درآمدن از پرده های عفاف و حیا و پابند نبودن بوظائف خانه داری آنان دانسته است .

\* \* \*

(۱) « « ص ۳۲۸ ، جمله آخر این حدیث شریف قابل دقت ، و

تئیر دختران . ادر وضعیت خانواده ها کاملاً تأبید مینماید .

(۲) کافی - ج ۵ ص ۳۲۷

## نقش مادر!

بطوریکه گفتیم ، تأثیر اخلاق و رفتار دختر و همسر ؛ در خانواده خود قابل کتمان نبوده و تا حدودی مسلم است ؛ ولی بدیهی است که ، تأثیر آنها غیر مستقیم و خارجی ، و از راه آمیزش و مصاحبت و تبلیغ بعمل میآید ؛ و تا اندازه ای ممکن است پدرها و مادرهای آزموده و با ایمان مقاومت نموده ، و هر چند زندگی بر آنها تلخ شده و خسارتهای مادی و معنوی بر آنان وارد شود ، باز خود را از دست نداده و یکسره تسلیم پیشنهادات و خواسته های ناروا و نامشروع دختران نشده و اقلاً اخلاق و ایمان خود را حفظ کنند ، و یا مردان و شوهران ؛ مردانگی خود را نگهداشته و در برابر هوسرانیها و شهوت پرستیهای زنان ایستادگی نموده و بد رفتارها و کج رویهای آنها را تحمل کرده و خسارات مادی آنان را قبول نمایند. اما دین و شرف و شخصیت خود را از دست ندهند ، اما ...

اما تأثیر خوی و رفتار و کردار مادران در فرزندان که مستقیم و داخلی بوده و از عالم رحم آغاز گردیده و در دوران رضاع شدت یافته و در دامان پرورش آنان که نیرومندترین مکتب تربیت است کامل میشود ، بهیچوجه تخلف پذیر نبوده و مورد تأیید و تصدیق دانشمندان و روانشناسان میباشد و درباره آن سخن بسیار گفته شده است .

اسلام ، فراهم آمدن زمینه سعادت و شقاوت مردمان را ؛ در پاکي و ناپاکي رحمهای مادران دانسته و آخرین منزل سیر بشر را که بهشت باشد یا جهنم ، زیر پای مادران قرار داده است .

بیشتر دستورات و تأکیداتی که در اسلام در باره انتخاب همسر ؛ بعمل آمده بهمین منظور است که پاکي یا ناپاکي سرشت مادران را در فرزندان مؤثر دیده و آن را قطعی و حتمی میدانند .

\* \* \*

## نتیجه بحث

آنچه را درباره موقعیت زنان و تأثیر آنها در اجتماع گفتیم ، جهات عمومی

و مراحل حل است که طبعاً همه آنها را پیموده ، و از دختری بمقام همسری نائل شده و از آنجا بمنزل مادری قدم گذاشته و اینگونه اثرها را باقی میگذارند .  
 و بدیهی است که ما موربتهای سیاسی و خرابکارهای اجتماعی و زیانهای اخلاقی که از راه نفوذ در احساسات و عقل و دین جوانان و مردان و رجال کشوری و لشکری بوسیله زن ها و دختران بعمل میآید بر اینها اضافه شده و میتوان گفت با فساد و سوء تربیت زنان! یکسره جامعه رو بفساد میرود .

لذا ما در پایان بحث ، روی سخن را اولاً بپدران و مادران ، و سپس بر بیان و رهبران اجتماعی نموده و میگوئیم! بدانید و خود خوب میدانید که هر قدمی که در راه بی بندوباری ، بی پردگی و بی عفتی و فساد اخلاق دختران و زنان برداشته شود و هر نقشه ای که در این راه طرح گردد ضربت بزرگی است که به بنیان اخلاق و فضیلت و شرافت و سعادت دنیا و آخرت اجتماع وارد آمده و واکنش بد و آتار شوم آن اولاً دامنگیر خودتان میشود و ثانیاً جامعه را بسراشیبی سقوط و بدبختی سوق میدهد ،

والله هو الهادی الی سواء السبیل

کتابخانه مسجد اعظم - ابوالقاسم دانش آشتیانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی

